

ترجمه طاهره صفارزاده، ترجمه‌ای ارتباطی از قرآن کریم

حسین تک تبار فیروزجایی^{*۱}

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم، ایران

پذیرش: ۹۴/۸/۲۶

دریافت: ۹۴/۵/۱۹

چکیده

برگردان قرآن کریم از گذشته‌های دور مورد توجه بوده و بارها ترجمه شده و در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. گاه مترجمان به علت ضعف در درک کتاب زندگی و یا تفهم آن به زبان مقصد، نتوانسته‌اند ترجمه‌ای مناسب از آن ارائه دهند و گاه نیز شاهد ترجمه‌های ارزشمندی از این کتاب آسمانی بوده‌ایم. بدین جهت نقد ترجمه قرآن و به خصوص ترجمه صفارزاده که موردنرسی همه جانبه قرار نگرفته، از اهمیت زیادی برخوردار است. ترجمه طاهره صفارزاده، ترجمه‌ای ارتباطی از قرآن کریم است. وی در ترجمه، در پی فهم پیام الهی در آیات قرآن و انتقال آن به مخاطب است و به الفاظ و واژگان متن، به عنوان وسیله‌ای جهت رساندن محتوا می‌نگردد. نگارنده در این مقاله به دنبال آن است که با روش تحلیلی، به نقد و بررسی میزان دقیقت مترجم در فهم و انتقال پیام الهی بپردازد. به نظر می‌رسد که این ترجمه، ترجمه‌ای دقیق و ارتباطی از قرآن کریم به زبان فارسی و وفادار به ارزش ارجاعی متن است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، ترجمه قرآن، طاهره صفارزاده، ترجمه ارتباطی.

۱- مقدمه

از همان صدر اسلام، ترجمه به عنوان یک ضرورت، خود می‌نمود و این نیاز، که با موج‌های بعدی گسترش اسلام، بیشتر و بیشتر می‌شد، عالمان مسلمان را به برداشت گام‌های عملی در مسیر ترجمه سوق می‌داد. بی‌شک، هیچ ترجمه‌ای آن اندازه قابل اعتماد نیست که بتوان گفت، معنای دقیق پیام متن مبدأ را در متن مقصد بیان کرده باشد. بنابراین، مسأله محوری برای مترجم، دست یافتن به هم ارزی چالشی و برقراری گفت و گو میان زبان مبدأ و مقصد است. مهم این است که ارزش ارجاعی متن، در چه نوع ترجمه‌ای بیشتر حفظ می‌شود و چه ترجمه‌ای می‌تواند وفادار به ارزش ارجاعی آن تلقی گردد؛ نه آنکه وفادار به واژگان و چگونگی چیزی آن در زبان مبدأ باشد. اینجاست که چگونگی ترجمه قرآن کریم به عنوان کتاب مقدس مسلمانان و کتاب هدایت بشر که حاوی دستوراتی جهت نجات دنیا و آخرت بنی بشر است، اهمیت خاصی می‌یابد. در تاریخ ترجمه قرآن کریم، روش‌های گوناگونی از آغاز شکل‌گیری ترجمه اتفاق افتاده است. بنظر می‌رسد ترجمه‌ای که بتواند در عین وفادار بودن به متن مقدس قرآن کریم، پیام و محتوای آن را به مخاطب انتقال دهد، ترجمه‌ای است که نگارنده این سطور، آن را ترجمه تفسیری یا ترجمه ارتباطی می‌نامد که نقطه مقابل ترجمه تحت‌اللفظی و یا به‌طور کلی ترجمه متن محور است. صفارزاده، شاعر، نویسنده، مترجم و قرآن پژوه معاصر، به ترجمه قرآن به دو زبان فارسی و انگلیسی پرداخته است که ترجمه فارسی وی از قرآن، ترجمه‌ای ارتباطی است.

ضرورت ارائه ترجمه‌ای دقیق و روان از قرآن مجید در عصر کنونی، موجب گشته است تا ترجمه‌های بسیاری با شیوه‌های گوناگون به رشتہ تحریر درآید. در کنار نشر ترجمه‌های ارزشمند و گرانسینگ قرآن به زبان فارسی، مقالات متعددی در نقد و معرفی آنها در مجلات گوناگون منتشر شده است و اظهارنظرهای عالمانه، دقیق و موشکافانه‌ای در مورد ترجمه قرآن به عمل آمده است. در حیطه بررسی ترجمه صفارزاده از قرآن کریم، مقالاتی به نگارش در آمده است. از جمله، مقاله «بررسی و مقایسه ترجمه فارسی و انگلیسی قرآن

کریم از طاهره صفارزاده^۱ از شاهرخ محمدبیگی و سمية رضایی که در سال ۱۳۹۲، درشماره دهم پژوهشنامه قرآن و حدیث به چاپ رسیده و در آن مقایسه‌ای میان دو ترجمه صفارزاده از قرآن به دو زبان فارسی و انگلیسی صورت گرفته است. نگارندگان مقاله، در پی آن بودند که مشخص کنند کدامیں ترجمه‌ی وی، ترجمه دقیق‌تری از قرآن کریم است. به عبارت دیگر، آنها به بررسی تطبیقی دو ترجمه، به منظور یافتن موارد مشابه و غیر آن، و نهایتاً علل عدم مطابقت برخی از آیات و اینکه چرا میزان اشتباهات در ترجمه انگلیسی وی از فارسی کمتر است، پرداخته‌اند. مقاله «زیان ترجمه دکتر طاهره صفارزاده در قرآن»، از مهدی افشارکه در سال ۱۳۸۷ در مجله «چشم‌انداز ایران» به چاپ رسید، به بررسی تطبیقی ترجمه *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*^۲ از صفارزاده با برخی از ترجمه‌های دیگر، از جمله آیتی، پاینده، خرمشاهی، خواجهی، فولادوند، الهی قمشه‌ای و مجتبوی پرداخته است. سید رضی مصطفوی‌نیا نیز در مقاله «روش‌شناسی ترجمه کنایه در ترجمه‌های قرآن، «معزی، صفارزاده، آیتی»» در مجله ترجمان وحی، بهار و تابستان ۱۳۸۹، به بررسی تطبیقی ترجمه برخی از تعبیر کنایی، در ترجمه‌های مترجمان مذکور پرداخته است. علاوه بر آن مسعود انصاری نیز در مقاله «نقدی بر ترجمه صفارزاده از قرآن»، که در دانشنامه موضوعی قرآن منتشر شده، ترجمه صفارزاده را در زمینه نظر فارسی آن، برابر گزینی و معادل‌یابی، صرف و اشتقاد و فهم مفاهیم، مورد انتقاد قرار داده است. ولی هیچ‌یک از مقالات مذکور، به بررسی همه جانبی ترجمه صفارزاده از قرآن کریم و بررسی مزایای آن نسبت به بسیاری از ترجمه‌ها و هچنین اثبات ارتباطی بودن آن پرداخته است. نگارنده در این مقاله، در صدد است که با روش تحلیلی، به بررسی ترجمه صفارزاده پردازد و شیوه ترجمه استعاره، مجاز، کنایه، حال، تمیز، مفعول مطلق، ادوات تاکید، فعل مجهول، التفات، حذف و تقدير و تقديم و تأخیرهای موجود در متن مقدس قرآن کریم را با انتخاب تصادفی مثال‌ها از سوره‌های گوناگون نشان دهد و در راستای مقایسه آن، با برخی از ترجمه‌های تحت‌اللفظی مشهور، ارتباطی بودن این ترجمه و همچنین مزایای آن را ثابت کند.

۲- ترجمه و روش‌های آن

واژه ترجمه در لغت، مصدر رباعی از فعل «ترجم» به معنای انتقال کلام، از زبانی به زبان دیگر است (فیومی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۹۲). به فرایند بازگرداندن چیزی، از یک زبان به زبان دیگر (Webster,1985,p.1241) یا ارتباط دادن به معنای یک متن به زبان مبدأ با استفاده از معادل و هم ارز آن متن در زبان مقصد، (oxford companion,1992,p.1051) نیز ترجمه گویند. ترجمه در اصطلاح، عبارت است از یافتن نزدیکترین معادل یک کلام در زبان مقصد، اول از جهت فهم و بعد از لحاظ سبک (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۱).

صاحب نظران روش‌های گوناگونی را برای ترجمه بر شمردند. پیترنیومارک (پیترنیومارک، ۲۰۰۶: ۵۶) برای ترجمه، شیوه‌های گوناگونی قائل است از جمله: ترجمه لفظ به لفظ، تحت‌اللفظی، وفادار، معنایی، اقتباسی، آزاد، سبکی و ارتباطی. «جان درایدن» شاعر و نویسنده معروف انگلیسی (۱۷۰۰-۱۶۳۱)، ترجمه را به سه دسته تقسیم می‌کند: (هژبرنژاد، ۱۳۷۲: ۱۳۵) ترجمه عبارتی (metaphrastranslation)، ترجمه تفسیری (paraphrase translation) و ترجمه تقليیدی (imitation translation). دیگر مترجمان و نظریه‌پردازان مشهور نیز، هر کدام شیوه‌هایی برای ترجمه قائلند که ما در این مجال در صدد بررسی انواع ترجمه نیستیم. لیکن در یک نگاه کلی می‌توان گفت، مترجمان به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند. برخی از آنان با محور قراردادن متن، در پی عرضه معنای لغوی واژگان و جملات، به مخاطب هستند؛ گروه دوم، در پی فهم پیام و مراد مؤلف و انتقال آن به مخاطب می‌باشند و گروه سومی هم هستند که در ترجمه، مخاطب خود و تخصص وی را در نظر می‌گیرند و متن را بنا به خواسته و سلیقه ایشان ترجمه می‌کنند. مترجمان متن محور، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی و وفادار از متن ارائه می‌دهند که معمولاً در این نوع از ترجمه‌ها، محتوا و پیام متن مبدأ، فدای ترجمه واژه به واژه می‌گردد و در بسیاری از موارد به سبب وفاداری افراطی اش به متن، از پاییندی به معنا و ژرفای متن دور می‌ماند؛ چرا که ترجمه‌های تحت‌اللفظی معمولاً با دستور زبان مقصد سازگار نیستند یا بدان توجهی ندارند، متن ترجمه شده مبهم است، کنایه‌ها و

استعاره‌ها به صورت تحتاللفظی ترجمه می‌شوند که این امر، بر ابهام متن مقصود می‌افزاید، مسائل حذف و تقدیر و تقدیم و تأخیر هم در این ترجمه‌ها رعایت نمی‌شود. علاوه بر آن در بیشتر این ترجمه‌ها، متن ترجمه، عاری از نشانه‌گذاری است و به علت مسائل مذکور، قدرتِ برقراری ارتباط با مخاطب را ندارد.

ضروری است، که مترجم، در هردو زبان مبدأ و مقصد، متبحر، و به اسالیب و ویژگی‌های هردو زبان کاملاً آگاه باشد و ترجمه را به جمیع معانی و مقاصد مربوط به متن، به نحو مطمئن ایفا نماید (سلماسی‌زاده، ۱۳۶۹: ۴). علاوه‌بر آن مترجم قرآن باید به زبان عربی و دقایق و ظرایف صرفی و نحوی و ریشه‌شناسی قرآن اشراف داشته باشد، از تفاسیر گوناگون و فقه و احکام، آگاه و با قرآن مأنس باشد و بر معانی و بیان و مباحث حقیقت و مجاز و استعاره و کایه مسلط باشد.

۳- ترجمه ارتباطی

ترجمه ارتباطی، ترجمه‌ای است که پیام متن مبدأ را با رایج‌ترین واژگان، اصطلاحات و ساختهای دستوری، به زبان مقصد برمی‌گرداند. در ترجمه ارتباطی، مترجم بر اساس معنای اولیه کلمات، معادل‌یابی نمی‌کند، بلکه می‌کوشد براساس معنای کلمه در بافت متن، معادل‌یابی کند. هدف اساسی در این روش از ترجمه، انتقال معنا، محتوا و پیام متن مبدأ و نیز روان بودن متن مقصد است. بدین‌سان، آنچه در ترجمه ارتباطی، اهمیت نخستین دارد، پیام و محتوای متن مبدأ و پاییندی به ساختارهای زبانی زبان مقصد است (ن.ک: ناظمیان، ۱۳۸۱: ۳۲). ترجمه ارتباطی، ترجمه‌ای متن محور نیست و با توجه به اینکه مترجم در استفاده از افزوده‌های تفسیری برای روشن کردن مفهوم آیات دغدغه‌ای ندارد، از این رو این شیوه از ترجمه، ترجمه‌ای خوشخوان بوده و از سلاست و روانی برخوردار است. مترجم، تلاش بسیاری برای آوردن جمله‌ها و یا عبارت‌های محدودف می‌نماید و بسیاری از حروف و ادوات تأکید را فدای پیام‌رسانی می‌نماید (ن.ک: لارسون، ۱۳۸۵: ۵۴). این روش از ترجمه،

شیوه بسیار مناسبی برای ترجمه کنایه‌ها، استعاره‌ها و مجاز به نظر می‌رسد؛ چرا که مترجم در این روش، تلاش می‌کند تا استعاره‌ها، کنایه‌ها و اصطلاحات را در زبان مقصد، معادل‌یابی کند. علاوه بر آن، مترجم همواره سعی می‌کند تا تأثیر هرگونه تقدیم و تأخیر را در ترجمه خود نشان دهد و از علامت‌های نگارشی مختلف برای هرچه رسانتر و شیواتر شدن ترجمه خود استفاده کند. از آنجایی که در این نوع ترجمه، تمام ویژگی‌های لفظی زبان مبدأ، بازسازی نمی‌گردد، بسیاری از نکات و مسائل ظریف دستوری زبان مبدأ، از دست می‌رود؛ اما چون مترجم در این روش با رعایت معادل‌ها به شرح و توضیح واژه‌ها و جمله‌ها در محدوده‌ای خاص مبادرت می‌ورزد و خود را محدود به الفاظ متن نمی‌نماید، فهم متن مقصد را برای مخاطب آسان‌تر می‌سازد (ن.ک: ناظمیان، ۱۳۸۱: ۴۳) و به عبارتی دیگر، سبب می‌شود مخاطب بهتر بتواند با متن اصلی، ارتباط برقرار کند که به همین سبب، آن را ترجمه ارتباطی نامیدیم. در ترجمه برخی از آیات، بکار بستن ترجمه ارتباطی، امری اجتناب ناپذیر است؛ زیرا ترجمه تعبیرات مجازی، استعارات، ضمایر، تشیبهات، کنایات و... به شیوه تحت‌اللفظی و بدون درک پیام و محتوای متن و انتقال آن به مخاطب غیرممکن است. گاه در قرآن نامهایی به صورت ضمیر و یا اسم اشاره آمده است و گاه تلمیحات و اشارات تاریخی فراوانی در متن قرآن وجود دارد که ترجمه تحت‌اللفظی در چنین موقعی به کمک مخاطب نمی‌آید. گاه نیز ظاهر کلام جنبه امر و نهی دارد، اما در واقع برای بیان امر و نهی نیست و در ترجمه آن باید از لفظ، فاصله گرفت تا رساندن معنای مراد، میسر گردد که این امر نیز از عهده ترجمه ارتباطی برمی‌آید، شیوه‌ای که ظاهره صفارزاده در ترجمه قرآن کریم به کار بسته است.

۴- بررسی ویژگی‌های ترجمه صفارزاده

۴-۱- استعاره

پیترنیومارک هفت روش را برای ترجمه استعاره بیان می‌دارد که عبارتند از: ترجمه تحت‌اللفظی استعاره، معادل‌یابی استعاره در زبان مقصد، ترجمه استعاره به تشییه با اضافه‌های

تفسیری و توضیحی، ذکر پیام نهایی و مفهوم غایب استعاره، عدم ترجمه استعاره، ترجمه تحتاللفظی استعاره با افرودهای تفسیری (پترنیومارک، ۲۰۰۶: ۳۴). که البته می‌توان این تقسیم بندی را به چهار دسته تقسیل داد: ترجمه تحتاللفظی، معنایی، معادل یابی آن در زبان مقصد و ترجمه استعاره به تشبیه. از میان این روش‌های گوناگون، برخی روش تحتاللفظی در ترجمه استعاره‌های قرآنی را کارآمدتر می‌دانند، چرا که به اعتقاد آنان «در این روش، مترجم می‌کوشد از هرگونه افزایش و یا کاهش در ترجمه احتراز کند تا بتواند سبک و شیوه بیان نویسنده را حفظ نماید و تأثیری کم و بیش نظیر آنچه که نویسنده مبدأ در خواننده متن مبدأ به وجود آورده، در متن مقصد برانگیزد». (فرحزاد، ۱۳۸۷: ۲۸) ناظمیان نیز ترجمه تحتاللفظی استعاره را بهترین روش برای انتقال تصاویر و ترکیب‌های بدیع به خواننده می‌داند (ناظمیان، ۱۳۸۶: ۱۹). ولی با نگاهی به ترجمه‌های تحتاللفظی ارائه شده توسط مترجمان از استعاره‌ها متوجه می‌شویم چنین شیوه‌ای از ترجمه، مبهم است و مخاطب در پی آن، توانایی برقراری ارتباط با متن را از دست می‌دهد. اکنون برای اثبات این مدعای ببررسی تطبیقی چند مورد از استعاره‌های قرآنی و شیوه ترجمه آن در ترجمه صفارزاده و ترجمه‌های مصباح‌زاده، شعرانی و دهلوی می‌پردازیم.

در آیه شریفه **﴿إِنَّى وَهَنَ الْعَظُمُ مَيْ وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْئًا﴾** (مریم/۴)، «عبارت قرآنی **﴿وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْئًا﴾** دارای استعاره مکنیه و مجاز است.» (خطیب قزوینی، ۱۴۲۴: ۲۸۹) در عبارت **﴿وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ﴾**، که از زبان ذکریا نقل شده، فراسیدن پیری، به صورت استعاره بیان شده است. صفارزاده آن را به، «در اثر پیری، موی سرم سفید گشته است»، برگردانده، که ترجمه‌ای معنایی از استعاره و ترجمه‌ای سلیس و ارتباطی است. مصباح‌زاده این عبارت را به «سفید شد سراز پیری»، برگردانده که ترجمه‌ای وفادار به متن است. در نقد این ترجمه باید گفت: آنچه که سفید می‌شود، موی سر است، نه سر. مجاز عقلی به علاقه مکانیت که در زبان عربی کاربرد دارد و قابل فهم است، در زبان فارسی اینگونه نیست و همین امر سبب شده است که عبارت «سفید شد سر از پیری»، مبهم باشد. شعرانی این عبارت را به

«مشتعل شد سر از راه پیری»، برگردانده است که مبهم به نظر می‌رسد، چرا که از اصطلاح «مشتعل شدن سر» در زبان فارسی، معنای «پیر شدن» فهمیده نمی‌شود؛ بلکه معنای «آتش گرفتن» از آن مستفاد می‌گردد. دهلوی نیز در قالب ترجمه‌ای تحت‌اللفظی از استعاره موجود در این عبارت قرآنی، آن را به، «به رنگ آتش شعله زد سر من از جهت سفیدی»، ترجمه کرده است که در زبان فارسی مبهم به نظر می‌رسد.

در آیه شریفه **﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً﴾** (حدید/ ۱۱)، واژه «**يَقْرِضُ**»، استعاره از «انفاق کردن در راه خداوند» است (صافی، ۱۴۱۸، ج ۶: ۲۹۶). صفارزاده این آیه را به عبارت «کیست که {از طریق انفاق به دیگران} به خداوند وام نیکو دهد»، برگردانده است. وی در ترجمه‌اش، هم معنای حقیقی و تحت‌اللفظی واژه «**يَقْرِضُ**» را ذکر کرده و هم معنای استعاری آن را در قالب افزوده تفسیری {از طریق انفاق به دیگران}، آورده و این امر سبب شده است تا متن فارسی وی، روان و قابل فهم باشد و مخاطب به راحتی بتواند با متن ارتباط برقرار کند؛ اما شعرانی، مصبح‌زاده و دهلوی که بسیار در حفظ امانت در ترجمه پایین‌دندن، آن را به «کیست که وام دهد خدا را»، ترجمه کرده‌اند که ترجمه‌ای کاملاً تحت‌اللفظی است و به نظر می‌رسد که افراط در حفظ امانت، موجب شده است تا مضمون و پیام اصلی استعاره به مخاطب القا نشود.

با نگاهی به آیات دیگر که در آن‌ها تعبیرات استعاری به چشم می‌خورد نیز، صفارزاده ترجمه‌ای تفسیری و غیر تحت‌اللفظی از آن‌ها ارائه داده است، از جمله آیه ۹۴ سوره حجر، آیه ۱۲ سوره نحل، آیه ۳۷ سوره یس، آیه ۴۴ سوره هود، آیه ۵۹ سوره أنعام، آیه ۱۸ سوره تکویر، آیه ۱۶ سوره بقره و.... این امر سبب شده است ترجمه وی از استعارات قرآنی، در عین دقیق بودن، روان و قابل فهم باشد؛ اما در ترجمه‌های تحت‌اللفظی صورت پذیرفته از استعارات، این نتیجه به چشم نمی‌خورد. پس ترجمه تحت‌اللفظی روش مناسبی برای ترجمه استعاره‌ها بهشمار نمی‌آید، چرا که این شیوه، استعاره را به صورت مبهم درآورده و موجب تشویش در فهم مراد است.

۴-۲- مجاز

در ترجمه مجاز یا معنای حقیقی و لغوی واژگان را ذکر می‌کنیم، یا معنای مجازی آن را، یا اینکه معنای حقیقی و معنای مجازی هر دو را با هم می‌آوریم. اکنون به بررسی تطبیقی شیوه ترجمه مجاز در ترجمه صفارزاده و ترجمه‌های دهلوی، مصباح‌زاده و شعرانی می‌پردازیم.

در آیه **﴿يَوْمًا يَجْعَلُ الْوَلَدَانَ شَيْئًا﴾** (مزمل / ۱۷)، پیر کردن به واژه «یوم» نسبت داده شده است، در حالیکه «یوم» فاعل حقیقی نیست؛ بلکه ظرف زمان پیش‌شدن کودکان است (سیوطی، ۱۹۷۳، ج ۲: ۳۳۶). این نکته که «یوم»، فاعل حقیقی نیست و فاعل، عذابِ روزِ قیامت، و یا شدت هول و هراسِ آن روز است که سبب پیر شدن فرزندان می‌گردد، در ترجمه صفارزاده نشان داده شده است: «عذاب روزی که کودکان را از شدت سهمگین بودن، پیر وسفید موی می‌سازد»؛ چرا که وی به ترجمه تحتاللفظی و ذکر معنای حقیقی و لغوی واژه «یوم» بستنده نکرده، بلکه معنای مجازی آن را نیز آورده است؛ اما این مزایا در ترجمه‌های تحتاللفظی به چشم نمی‌خورد. به عنوان مثال دهلوی، مصباح‌زاده و شعرانی، معنای حقیقی و لغوی واژه را ذکر کرده‌اند و «یوم» را فاعل حقیقی قرار داده‌اند و آیه را به «روزی که می‌گرداند کودکان را پیران» ترجمه کرده‌اند که ترجمه‌ای مبهوم و نارسا به نظر می‌رسد؛ چون فقط به فکرِ وفادار بودن به متن مبدأ است.

در آیه **﴿يَتَرَّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا﴾** (غافر / ۱۳)، واژه «رزق»، مجاز از باران است و مفعول به واقعی، آب و بارانی است که به وجود آورنده رزق می‌باشد. این نکته در ترجمه صفارزاده رعایت شده است: «و از آسمان برای شما آب را که سرچشمه حیات مادی و تولید کننده روزی‌های دنیایی است، نازل می‌فرماید». وی در برگردان مجاز، به ذکر معنای حقیقی و لغوی واژه بستنده نکرده، بلکه معنای مجازی آن را نیز آورده و ترجمه‌ای معنایی- ارتباطی ارائه داده است. اما این نکات در ترجمه‌های تحتاللفظی به چشم نمی‌خورد و شعرانی، مصباح‌زاده و دهلوی معنای حقیقی و لغوی واژه را ذکر کرده‌اند و گفته‌اند: «و فرو می‌فرستد برای شما از آسمان روزی را».

در آیه شریفه **﴿وَجَحَلْتَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقِي عَلَيَا﴾** (مریم / ۵۰)، «لسان صدق»، که در لغت به معنی «زبان راستی» است، در معنای «شناخت نیکو» آمده است؛ چون زبان، آلت وابزار آن است (سیوطی، ۱۹۷۳، ج: ۲، ۳۸). صفارزاده معنای مجازی واژه را ذکر کرده و آن را به «نام نیکو» برگردانده و ترجمه‌ای درست، قابل فهم و ارتباطی از آیه ارائه داده است. دهلوی نیز معنای مجازی این واژه را در نظر گرفته و آن را به «ذکر جمیل»، برگردانده است؛ اما مصباحزاده و شعرانی آن را به «زبان راستی»، ترجمه کرده‌اند: «وبحشیدیم مر ایشان را از رحمت خود و گردانیدیم برای ایشان زبان راستی که بلند است». که به علت وفاداری بیش از حد به متن، در انتقال معنای مراد ناتوان است.

۳-۴- کنایه

متجمان در ترجمه این اسلوب ادبی، راه‌های گوناگونی را در پیش گرفته‌اند. برخی به ارائه ترجمه تحتاللفظی از آن بسنده کرده‌اند؛ برخی دیگر به بیان معادل تعبیر کنایی در زبان مقصد پرداخته‌اند و برخی دیگر نیز معنا و مفهوم کنایه را در زبان مقصد ذکر کرده‌اند و برخی دیگر نیز به تناسب موقعیت در آیات مختلف شیوه‌های مختلف را در پیش گرفته‌اند. در ادامه به بررسی تطبیقی شیوه ترجمه کنایه در ترجمه صفارزاده و ترجمه‌های شعرانی، مصباحزاده و دهلوی می‌پردازم.

در آیه **﴿مَا مِنْ ذَائِبٍ إِلَّا وَهُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَّهَا﴾** (هود / ۵۶)، عبارت «هو آخذ بناصیتها»، «کنایه از این است که خداوند بر آن سلطه دارد و هر طور که بخواهد با آن رفتار می‌کند...» (صفی، ۱۴۱۸، ج: ۱۲؛ ۲۹۵). صفارزاده ترجمه‌ای معنایی از این عبارت کنایی ارائه داده و معنا و مفهوم کنایه را در زبان مقصد این چنین بیان کرده است: «تحت قدرت و تسلط او بسر می‌برد و اختیارش در دست خداوند است...». این ترجمه، ترجمه‌ای ارتباطی و قابل فهم است؛ اما شعرانی و مصباحزاده در ترجمه این عبارت آورده‌اند: «...مگر که او گیرنده است

موی پیشانی او را...». ترجمه دهلوی نیز تقریباً به همین شکل است که هیچ یک در تعبیر کنایی، مناسب به نظر نمی‌رسد.

در عبارت قرآنی **﴿صَرِبْتَ عَلَيْهِمُ الدَّلَلَةَ وَالْمَسْكَةَ﴾**، صفارزاده به بیان معادل این تعبیر کنایی در زبان مقصد پرداخته است: « DAG خواری و بینوایی بر پیشانی آن‌ها زده شد ». اما مصباح‌زاده، شعرانی و دهلوی آن را به « زده شد بر ایشان خواری و بیچارگی »، برگردانده‌اند که ترجمه‌ای تحت‌اللفظی است و در انتقال معنا و مضمون آیه ناتوان است.

در برگردان عبارت قرآنی **﴿هَنَّ لِيَاشُ لَكُمْ وَأَثْمَ لِيَاشُ لَهُنَّ﴾** (بقره / ۱۸۷)، صفارزاده علاوه بر ارائه ترجمه‌ای تحت‌اللفظی از این عبارت کنایی، در قالب افزوده تفسیری، به توضیح مختصر و معنایی این عبارت پرداخته است تا بدین ترتیب، ترجمه‌ای ارتباطی ارائه داده باشد؛ اما شعرانی، دهلوی و مصباح‌زاده به ارائه ترجمه تحت‌اللفظی و ظاهري از این عبارت کنایی بستنده کرده‌اند.

در آیه شریفه **﴿وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ﴾** (اعراف / ۷۲)، عبارت **﴿قَطَعْنَا دَابِرَ﴾** کنایی از « از بین بردن و نابود ساختن » است. صفارزاده در برگردان این آیه، ترجمه‌ای ارتباطی - کنایی از این عبارت قرآنی ارائه داده است: « و آن‌هایی که نشانه‌ها و معجزات ما را تکذیب کردند و ایمان نیاوردن، ریشه کن ساختیم ». اما شعرانی، مصباح‌زاده و دهلوی در ترجمه این آیه شریفه آورده‌اند: « و بریدیم بیخ(دنباله) آنان که دروغ... » که بر عکس ترجمه صفارزاده، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی و نامفهوم است.

عبارة **﴿وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ﴾**، در آیه **﴿وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾** (حجر / ۸۸)، کنایه از تواضع و نرم‌خوبی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲: ۱۹۳). صفارزاده در ترجمه این عبارت کنایی، معنا و مفهوم این کنایه در زبان مقصد را ذکر کرده تا ترجمه‌ای معنایی و ارتباطی و همچنین سلیس و قابل فهم از این تعبیر کنایی ارائه داده باشد: « ونسبت به مؤمنان متواضع باش ». اما شعرانی و مصباح‌زاده در برگردان این عبارت کنایی آورده‌اند: « فرود آور بالت را

از برای گروندگان». دهلوی نیز این عبارت را به «و پست کن بازوی خود را برای مسلمانان» برگردانده است. این ترجمه‌ها برخلاف ترجمه صفارزاده، وفادار به متن مبدأ و مبهم هستند.

۴-۴- حذف و تقدیر

جمله‌ها و عبارات محذوف در قرآن بسیار فراوان است. این پدیده به دلایل بلاغی مانند ایجاز و یا به دلیل واضح بودن محذوف، در جای قرآن کریم وجود دارد. عمده‌ترین موارد حذف در قرآن کریم عبارتند از: جواب شرط، مبندا، خبر، مضاف، مضاف اليه، مفعول به و ... در ترجمه تحتاللفظی، واژگان متن مبدأ از نظر لغوی - و نه معنایی و محتوایی - هریک به زبان مقصد ترجمه می‌شوند؛ بدون آنکه به جهات دیگر زبان از جمله عبارات یا جمله‌های محذوف آن توجهی شود (ناصری، ۱۳۹۳: ۱۶۶). در ادامه به بررسی تطبیقی ترجمه صفارزاده با ترجمه‌های دهلوی، شعرانی و مصباحزاده در این حیطه پرداخته می‌شود.

در آیه **﴿كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِين﴾** (تکاثر / ۵)، جواب «لو»، محذوف و تقدیر آن اینگونه است: «**لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِين لَشَغَلُوكُمْ مَا تَعْلَمُونَ عَنِ التَّبَاهِي وَالْقَافُورِ بِالْكُثْرَةِ**» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۵۲). صفارزاده در ترجمه این آیه، محذوف را در قالب افزوده تفسیری ذکر کرده و در ترجمه آورده است: «اگر می‌توانستید با یقین کامل آخرت را ادراک کنید {از سرگرمی‌ها و افتخارات باطل دست می‌کشیدید}. ذکر محذوف در ترجمه، سبب شده است تا ترجمه وی ترجمه‌ای قابل فهم و ارتباطی باشد، اما در ترجمه شعرانی و مصباحزاده از این آیه، محذوف ذکر نشده است.

در آیه **﴿وَالْقُرْآنِ الْمَجِيد﴾** (ق / ۱)، «واو» در این عبارت واو قسم است و جواب قسم، محذوف و تقدیر آن اینگونه است: سوگند به قرآن {که ما محمد (ص) را فرستادیم} و یا سوگند به قرآن {که تو پیامبر خدایی} و شعرانی و مصباحزاده در ترجمه این آیه، جواب قسم محذوف را برنگردانده‌اند. اما صفارزاده، جواب قسم مذکور را تشخیص داده و در ترجمه این آیه گفته است: «سوگند به قرآن مجید {که محمد (ص) پیامبر خدا است}».

بی شک برگرداندن محدودف در ترجمه سبب می شود متن، روان و قابل فهم ترشده و مخاطب به راحتی با آن ارتباط برقرار کند. این مهم، در ترجمه‌های ارتباطی اتفاق می‌افتد که ترجمه صفارزاده از این دست است. بدین‌سان که وی کوشیده تا با یافتن جمله‌ها و عبارات محدودف در قرآن، آن را به بهترین شکل در زبان مقصد بیان کند. البته باید این نکته را نیز اضافه کرد که در این ترجمه تلاش شده تا عبارت‌های محدودف قرآنی در داخل پرانتز قرار گرفته و از متن اصلی متمایز گردد.

۴-۵- تقدیم و تأخیر

در آیات قرآن کریم، تقدیم و تأخیرهای زیادی وجود دارد و هر کدام از آن‌ها، غرض معنایی و بلاغی خاصی را دنبال می‌کنند. وظیفه مترجم است تا تأثیر این تقدیم و تأخیرها بر معنا را در ترجمه نشان دهد. دقت در ترجمه صفارزاده نشان می‌دهد که وی به این وظیفه عمل نموده است؛ اما ترجمه‌های تحت‌اللفظی معمولاً در ترجمه، توجهی به این امر ندارد. اکنون به بررسی ترجمه برخی از آیات قرآن کریم می‌پردازیم.

در آیه **﴿إِنْ كُثُّمٌ إِيَاهٌ تَعْبُدُونَ﴾** (بقره/ ۱۷۲)، ضمیر منفصل «ایاه»، مفعول به مقدم است و افاده حصر می‌کند. صفارزاده، این حصر و اختصاص را با آوردن واژه «تنها» در ترجمه نشان داده است: «اگر موحد هستید و تنها او را می‌پرستید». وی در ترجمه آیات **﴿بَلْ إِيَاهٌ تَدْعُونَ﴾**، **﴿إِيَاهٌ تَعْبُدُ وَإِيَاهٌ نَسْتَعِين﴾**، **﴿وَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ﴾**، **﴿إِنْ كُثُّمٌ إِيَاهٌ تَعْبُدُونَ﴾**، **﴿إِيَاهٌ مَرْجِعُكُم﴾** و ... نیز سعی کرده با آوردن واژگانی چون: فقط، تنها، خاص، ویژه، بس، متعلق به و... تقدیم و تأخیر را نشان دهد؛ چون وی رساندن محتوا و پیام زبان قرآن به مخاطب را رسالت خود می‌داند و بدین جهت همواره می‌کوشد تأثیر هر گونه تقدیم و تأخیر را در ترجمه نشان دهد؛ چرا که در این نوع ترجمه، بر عکس ترجمه‌های تحت‌اللفظی، واژه‌ها نه به صورت جداگانه، بلکه در درون بافت، ترجمه می‌شوند.

۶-۶- حال

با بررسی به عمل آمده از ترجمه‌های تحتاللفظی صورت گرفته از قرآن، کاملاً روشن است که چون در این ترجمه‌ها، اصل بر دقت و امانت گذاشته شده است؛ حال، همیشه به صورت صحیح و با قید حالت به فارسی برگردانده شده است و کمتر موردی یافت می‌شود که این مسئله در آن رعایت نشده باشد. در اینجا به بررسی ترجمه صفارزاده در این زمینه می‌پردازیم. در آیه **﴿فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾** (ص/۷۲)، «ساجدین»، حال است. ترجمه صفارزاده از این آیه چنین است: «به او تعظیم کنید». وی در برگردان آیه **﴿فَاعْبُدُ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّين﴾** (زم/۲) به **«نَهَا خَدَا رَا پِرستش کنم و دینم را برای او از هر شک و شباهی خالص کنم»**، نیز، همان روش ترجمه حال به فعل را دارد. وی در ترجمه آیه **﴿يَقْلِبُ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِثًا وَهُوَ حَسِيرٌ﴾** (ملک/۴) گفته است: «عاقبت چشم‌های تو خسته و نالمید از یافتن نقص ... به سوی تو باز می‌گرددند». و همانطور که ملاحظه می‌شود، حال را به فعل، ترجمه کرده و به فعل قبل از حال، عطف نموده است. در آیه **﴿مُخْلِصًا لَهُ الدِّين﴾** (زم/۱۱) نیز حال به صورت «خالص گردانم»، ترجمه شده و به فعل قبل (أعبد)، عطف شده است. در آیه ۵۴ سوره رحمن، آیه ۱۶ سوره واقعه و آیه ۸ سوره فتح نیز حال به فعل ترجمه شده است. در برخی از آیات نیز حال ترجمه نشده که از جمله آن‌ها آیه ۵ سوره فتح و آیه ۹ سوره فتح و آیه ۱۰ سوره تغابن است. شایان ذکر است که عدم ارائه ترجمه‌ای که به حال بودن واژه یا جمله اشاره داشته باشد، نشانه ضعف ترجمه یا عدم توجه مترجم نیست. بلکه مترجم در پی ارائه ترجمه‌ای ارتباطی، و خواهان انتقال معنا و مفهوم آیه به مخاطب است. به عنوان مثال، وقتی وی در برگردان آیه **﴿فَاعْبُدُ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّين﴾** می‌گوید: «خداؤند را پرستش کن و دین خود را برای او خالص گردان»؛ بهنظر نمی‌رسد که ترجمه این آیه چیزی غیر از این باشد و باید گفت این ترجمه، معنای مقصود را بهتر و روان‌تر به مخاطب منتقل می‌سازد و با زبان مقصد سازگارتر است، تا اینکه در ترجمه آن بگوییم: «پس پرست خداوند را در حالیکه دین خود را برای او خالص می‌گردنی». بنابراین باید گفت که صفارزاده در برگردان حال از روش‌های رایج در استفاده از واژگان و قیودی چون «در حالی‌که» فاصله گرفته و در عین امانتدار بودن، در انتقال معنا

و محتوا، سعی نموده ترجمه‌های خوشخوان، قابل فهم، سلیس و ارتباطی از آن ارائه دهد. اما در ترجمه‌های تحتاللفظی، قضیه کاملاً برعکس است.

۷-۴- مفعول مطلق

مفعول مطلق در ترجمه‌های تحتاللفظی عیناً و بدون تغییر از زبان مبدا به زبان مقصد برگردانده می‌شود. مترجمانی چون مصباح‌زاده، دهلوی و شعرانی، مفعول مطلق را بدون هیچگونه کم و کاست و دقیقاً به همان شکل و اسلوبی که در متن قرآن آمده، به زبان فارسی برگردانده‌اند. به عنوان نمونه، شعرانی و دهلوی در ترجمه آیه **﴿فَاصِرِ صَبْرًا جَمِيلًا﴾**، گفته‌اند: «صبر کن صبری نیکو». مصباح‌زاده و شعرانی در ترجمه عبارت قرآنی **﴿فَذُكَّرَ دَكَّةً وَاحِدَةً﴾** آورده‌اند: «بهمزه شوند بهمزه شدنی یک مرتبه». دهلوی نیز این عبارت را به این صورت برگردانده است: «کوفته شود ایشانرا یک بار کوفتن». اما در ترجمه صفارزاده شاهد چنین ترجمه‌ای نیستیم. در ابتدا چند آیه را به همراه ترجمه ارائه شده از وی از مفعول مطلق می‌آوریم و سپس به بررسی و تبیین روش وی در برگردان این اسلوب قرآنی می‌پردازیم:

﴿فَاصِرِ صَبْرًا جَمِيلًا﴾ (معارج / ۵): صبرنیکو {صبر بدون شکوه و شکایت} پیش گیر.

﴿فَأَخَذُهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً﴾ (حaque / ۱۰): پس خداوند هم به عذابی شدید گرفتارشان ساخت.

﴿إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجَّا﴾ (واقعه / ۴): زمین در آن روز به شدت به لرزه در می‌آید.

﴿وَتَسْبِيرُ الْجِبالُ سَبِيرًا﴾ (طور / ۱۰): آسمان به شدت به جنبش در می‌آید.

صفارزاده در ترجمه مفعول مطلق، پیام آیه را به درستی می‌گیرد و آن را در قالب جدیدی می‌ریزد؛ چرا که زبان فارسی و عربی از سبک‌های واحدی برخوردار نیستند. یک معنای واحد در زبان عربی به شکلی بیان می‌شود و همان معنا در زبان فارسی به سبک و قالب دیگر. این نکته مهمی است که صفارزاده بدان توجه می‌کند و در برگردان مفعول مطلق، ترجمه‌های ارتباطی از آن ارائه می‌دهد. شایان ذکر است که در ترجمه‌های ارائه شده از وی از مفعول مطلق، غالباً شیوه مذکور در پیش گرفته شده است که به عنوان نمونه می‌توان به

ترجمه ارائه شده از وی از آیات ذیل به عنوان مشتی از خروار اشاره کرد: آیه ۱۰ سوره جمعه؛ آیات ۸ و ۱۶ سوره مزمول؛ آیه ۵ سوره واقعه؛ آیات ۳، ۶، ۱۶ و ۱۷ سوره فتح؛ آیات ۱۳ و ۱۴ سوره حاقة؛ آیات ۹ و ۱۰ سوره طور؛ آیه ۴۱ سوره نجم و

۴- تمییز

با نگاهی به ترجمه‌های تحت‌اللفظی ارائه شده از مترجمان ملاحظه می‌کنیم که در این نوع ترجمه‌ها از جمله ترجمه شعرانی، دهلوی و مصباح‌زاده، در برگردان تمییز از عربی به فارسی از واژگانی مثل: از حیث، از جهت، از نظر و نظایر آن برای انتقال دقیق معنی تمییز استفاده شده است تا بدین ترتیب ترجمه‌شان با متن قرآن مطابقت داشته باشد؛ اما صفارزاده در ترجمه تمییز، اصل را بر وفاداری و مطابقت ترجمه تمییز با سبک ادبی زبان مبدأ قرار نداده و از عبارت‌هایی نظیر: از نظر، از حیث، از جهت و.... استفاده ننموده است. او محتوا را به تمام و کمال می‌گیرد و در برگردان آن به زبان فارسی، آن را در قالب زبان فارسی می‌ریزد تا بدین ترتیب ترجمه‌ای روان، قابل فهم و ارتباطی از متن ارائه داده باشد. اکنون برای اثبات این مدعای چند آیه را به همراه ترجمه ارائه شده از وی می‌آوریم تا ارتباطی بودن ترجمه وی را نشان دهیم.

﴿وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ (طلاق/۱۲): علم واسعه الهی بر همه موجودات و امور آنها احاطه دارد.

﴿وَمَنْ أَحَسَنَ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ﴾ (نساء/۱۲۵): کیست نیکوتر از آنکه....
﴿وَكَمَّيْ بِاللَّهِ يَكِيلَا﴾ (نساء/۸۱): حمایت و سرپرستی خداوند بندگان را کفایت میفرماید.
شایان ذکر است که ترجمه‌های ارائه شده از وی از تمییز در آیات دیگر نیز غالباً به این سبک است.

۹- التفات

یکی از سبک‌های زیبای قرآن کریم، به کار گرفته شدن فن التفات در این کتاب مقدس است. صنعت التفات انواع مختلفی دارد که برخی از انواع آن به علت تفاوت زبان عربی و فارسی، قابلیت آن را ندارند که در زبان مقصد نشان داده شوند، ولی در ترجمه‌های تحت‌اللفظی، اغلب مترجمان آن را در برگردان متن قرآن به فارسی انتقال داده‌اند. در زیر به بررسی چند نمونه از صنعت التفات و شیوه برخورد صفارزاده با آن در ترجمه می‌پردازیم.

صفارزاده در ترجمه «عصوا وَيَعْتَذِونَ»، که دارای التفات از فعل ماضی به مضارع است، آورده است: «اين‌ها همه ناشی از نافرمانی و تجاوزگری آن‌ها بود». و هردو فعل را به صورت يكسان، و مصدری ترجمه کرده است. در ترجمه آیه «كَذَّبُوا وَيَقْتُلُونَ» (أعراف/٧٠)، که دارای صنعت التفات از فعل ماضی به مضارع است، هر دو فعل را به صورت مضارع ترجمه کرده است: «تكذیب کردن و کشتن». وی در ترجمه آیه «يُنْفِقُونَ فِي... وَالْكَاظِمِينَ الْعَيْظَ»، که در آن التفات از فعل به اسم صورت پذیرفته است، هر دو واژه را به صورت فعل، ترجمه کرده است: {پرهیزگاران} کسانی هستند که در غنا و تنگدستی، {در هر حال} اتفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، وی در ترجمه متن قرآن، به متن مبدأ و ویژگی‌های ادبی و دستوری آن پاییند نیست؛ بلکه به دنبال درک معنا و ارائه آن در قالب دستوری زبان مقصد است تا ترجمه‌ای قابل فهم و ارتباطی از زبان مقصد ارائه دهد. البته باید گفت که صنعت التفات در قرآن فواید، معانی و دلالت‌های زیادی دارد و از ظرایف زبان عربی و قرآن کریم است که در بیشتر مواقع، به علت ضعف زبان فارسی در برابر زبان عربی، و همچنین تفاوت سبکی و دستوری این دو زبان، در صورت انتقال به زبان فارسی و پیاده شدن آن در متن مقصد، آن متن را دچار پیچیدگی و ابهام می‌نماید. به نظر می‌رسد به همین دلیل است که صفارزاده در برگردان متن مقدس قرآن کریم به فارسی، به انتقال این صنعت پاییند نیست؛ اما این عدم پاییندی، هرگز به معنای عدم توجه وی به صنعت التفات نیست؛ چرا که در آن دسته از آیاتی که التفات به راحتی و بدون ایجاد ابهام و پیچیدگی در متن

مقصد قابل انتقال بوده، در ترجمه‌ی وی رعایت شده است. به عنوان نمونه، وی التفات در عدد را غالباً در ترجمه‌ی رعایت کرده است که برای نمونه می‌توان به ترجمه‌ی ارائه شده از وی از آیه ۶۳ سوره توبه و همچنین آیه ۱۱۷ سوره طه اشاره کرد.

٤- مجھوں فل ۱۰-

در ترجمه‌های تحت‌اللفظی به عمل آمده از قرآن از جمله در ترجمه‌های مصباح‌زاده، شعرانی و دهلوی، فعل مجهول همیشه به صورت مجهول ترجمه شده است که این امر نشانگر وفادار بودن این ترجمه‌ها و مطابقت کامل آنها با نص قرآن است. اما در ترجمه‌های تفسیری، گاه مترجمان به قواعد صرف و نحو پاییندند و گاه این قواعد را رعایت نمی‌کنند. این امر نشانگر این است که این مترجمان، پاییندی کامل به قواعد دستوری و سبک زبان مبدأ را در ترجمه، در درجه اول اهمیت قرار نمی‌دهند و معنا و محتوای ضمنی متن قرآن را فدای قواعد و دستور زبان نمی‌کنند؛ بلکه بر عکس، تا جایی که ممکن باشد، با زیرکی تمام، به این قواعد پاییندند و مثلاً فعل مجهول را صورت مجهول ترجمه می‌کنند و گاه این افعال را به صورت معلوم به زبان مقصد برمی‌گردانند. ترجمه صفارزاده از این دست ترجمه‌ها است. وی فعل مجهول را بیشتر موقع به صورت مجهول، گاهی موقع به صورت معلوم و در برخی موقع نیز به صورت غیر فعلی و به صورت مصدری ترجمه می‌کند. به عنوان مثال از میان ۶۲ فعل مجهول انتخاب شده به صورت تصادفی از سوره‌های مختلف قرآن کریم و بررسی ترجمه صفارزاده از آن، مشخص شد که وی از آن افعال مجهول، ۴۵ فعل را به صورت مجهول، ۱۵ فعل را به صورت معلوم و دو فعل دیگر را نیز به صورت مصدری برگردانده است.

صفارزاده فعل‌های مجهول موجود در آیات ۴۸، ۵۹، ۶۱، ۸۶، ۹۱، ۱۰۲، ۱۱۴، ۱۱۹ و ۱۲۳ سوره بقره؛ آیه ۶۱ سوره نمل؛ آیه ۱۶ سوره انعام؛ آیات ۱۲، ۲۳، ۲۵ و ۶۵ سوره

آل عمران؛ آیات ۳۷ و ۵۲ سوره یونس؛ آیات ۵۶ و ۵۷ سوره روم؛ آیه ۷ سوره لقمان؛ آیه ۱۱ سوره سجده؛ آیات ۲ و ۵۴ سوره احزاب؛ آیات ۷۱ و ۷۵ سوره زخرف؛ آیه ۱۵ سوره قلم و آیات ۱۴ و ۲۵ سوره حاقة را به صورت مجھول ترجمه کرده است. وی فعل‌های مجھول موجود در آیات ۹۶، ۱۰۸، ۱۵۸، ۱۸۰، ۲۱۴، ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۴۷ سوره بقره؛ ۲۵ سوره آل عمران؛ ۵۸ سوره نحل؛ ۲۰ سوره حاقة؛ ۳۰ سوره احزاب؛ ۸ سوره جاثیه و ۴۵ سوره قلم را به صورت معلوم؛ و فعل‌های مجھول موجود در آیه ۸ سوره ملک و آیه ۴۲ سوره قلم را به صورت مصدّری ترجمه کرده است.

۵- نتیجه

- ترجمه صفارزاده، ترجمه‌ای خوشخوان بوده و از سلاست و روانی برخوردار است.
- وی ترجمه‌ای غیر تحت‌اللفظی از تعبیرات استعاری ارائه داده است.
- در برگردان مجاز، معنای مجازی واژه را در نظر گرفته تا ترجمه‌ای قابل فهم ارائه داده باشد.
- در برگردان عبارت‌های کنایی، از ترجمه تحت‌اللفظی فاصله گرفته و ترجمه‌ای معنایی از کنایه ارائه داده و به بیان معنا و مفهوم این کنایه در زبان فارسی پرداخته است.
- همواره سعی می‌کند تا تأثیر هرگونه تقدیم و تأخیر را در ترجمه نشان دهد.
- تلاش بسیاری برای آوردن جمله‌ها و یا عبارت‌های محذوف نموده و این امر سبب شده است تا متن مقصد، روان و قابل فهم ترشده و مخاطب به راحتی با آن ارتباط برقرار کند.
- فعل مجھول را بیشتر موقع به صورت مجھول، گاهی موقع به صورت معلوم و در برخی موقع نیز به صورت غیر فعلی و به صورت مصدّری ترجمه می‌کند.
- در برگردان حال از روش‌های رایج در استفاده از واژگان و قیودی چون «در حالی‌که» فاصله گرفته و در عین امانتدار بودن در انتقال معنا و محتوا، سعی نموده ترجمه‌ای سلیس و ارتباطی از آن ارائه دهد.
- در ترجمه مفعول مطلق، به سبک ادبی و لفظی قرآن به عنوان متن مبدأ پایبند نیست.

- در برگردانِ متنِ مقدسِ قرآنِ کریم به فارسی، به انتقال صنعت التفات چندان پایبند نیست؛ اما این عدم پایبندی، هرگز به معنای عدم توجه وی به این صنعت نیست.
- آنچه برای وی اهمیت نخستین دارد، پیام و محتوای متن مبدأ و پایبندی به ساختارهای زبانی زبان مقصد است.
- ارزش ارجاعی متن، در ترجمه وی حفظ شده و ترجمه اش وفادار به ارزش ارجاعی آن تلقی می‌گردد؛ نه آن که وفادار به کلمات و واژگان و چگونگی چیش آن در زبان مبدأ باشد.
- ترجمه فارسی وی از قرآن، ترجمه‌ای ارتباطی است.

۶- منابع

* قرآن کریم

- ۱- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، قرآن ناطق، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، (۱۳۷۶ش).
- ۲- بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزيل و أسرار التأويل، تحقيق محمد عبد الرحمن المرعشی، بيروت، دار أحياء التراث العربي، چاپ اول، (۱۴۱۸ق).
- ۳- خطیب قزوینی، الإیضاح فی علوم البلاعنة، تحقيق: محمد عبد القادر الفاضلی، بيروت: المكتبة العصرية، (۱۴۲۴ق).
- ۴- دهلوی، شاه ولی الله، فتح الرحمن بترجمة القرآن، تحقيق عبد الغفور عبد الحق بلوچ و شیخ محمد علی، مدینة، مجمع ملک فهد لطباعة المصحف الشريف، الطبعة الأولى، (۱۴۱۷ق).
- ۵- زمخشri، أبوالقاسم محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق التنزيل، بيروت: دار الكتاب العربي، الطبعة الثالثة، (۱۴۱۴ق).
- ۶- سلامسیزاده، محمد جواد، تاریخ سیر ترجمه قرآن در جهان، تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۱، (۱۳۶۹ش).
- ۷- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتئمان فی علوم القرآن، بيروت: المكتبة الثقافية، (۱۹۷۳م).
- ۸- شعرانی، ابوالحسن، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات اسلامیة، چاپ اول، (۱۳۷۴ش).
- ۹- صافی، محمود بن عبدالرحیم، الجاول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه، دارالرشید مؤسسه الإیمان، دمشق - بیروت، الطبعة الرابعة، (۱۴۱۸ق).

- ۱۰- صفارزاده، ظاهره، ترجمه قرآن، تهران: مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، چاپ دوم، (۱۳۸۰ش).
- ۱۱- طباطبائی، سید محمدحسین،*المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: منشورات جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیة فی قم المقدّسة، الطبعة الخامسة، (۱۴۱۷ق).
- ۱۲- فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر*، بی‌جا، مؤسسه دارالهجرة، چاپ اول، (۱۴۰۵ق).
- ۱۳- لارسون، میلدرد، «ترجمه معنایی»، ترجمه نفیسه داوودی، مطالعات ترجمه، سال سوم، شماره ۱۱، (۱۳۸۵ش).
- ۱۴- مصباح‌زاده، عباس، ترجمه قرآن، تهران: سازمان انتشارات بدرقه جاویدان، چاپ اول، (۱۳۸۰ش).
- ۱۵- ناصری، مهدی، «قرآن کریم با ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی و همکاران، ترجمه معاصر وفادار به زبان فارسی»، دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان (۱۳۹۳ش).
- ۱۶- ناظمیان، رضا، روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، (۱۳۸۱ش).
- ۱۷- نیومارک، پیتر، *الجامع فی الترجمة*، ترجمة و إعداد أ. د. حسن غزاله، بیروت: دار و مكتبة الهلال الطبعه الأولى، (۲۰۰۶م).
- ۱۸- هژبرنژاد، حسین، آیین ترجمه، تهران: دو نور، چاپ اول، (۱۳۷۲ش).

webster1985,Websters new collegiate dictionary ,springfield /Massachusetts: Merriam-webster the oxford companion to the English language, 1992. Namit Bhatia Newmark , peter: *A Textbook of Translation*. first ed., Uk. ,prentice hall.1988.
<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=77346>